



Commercial Relations between Iran and India under British Colonial Policies (A Case Study of the First Pahlavi Era)

Mohsen Parvish¹

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
Email: mohsen.parvish@uma.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/01/05

Received in revised form:
2025/01/30

Accepted: 2025/02/27

Available online: 2025/03/30

Keywords:

Trade relations, Iran, India,
First Pahlavi era, Exports and
Imports.

ABSTRACT

This research adopts a historical-analytical approach to examine the impact of British colonial policies on Iran-India trade relations during the First Pahlavi era (1925–1941). It focuses on three keys aspects: 1) British mechanisms of influence in the commercial structure of both countries, 2) Institutional barriers to the development of trade relations and 3) Strategies of non-state actors. Through analysis of archival documents, periodicals, and library resources, the findings reveal that Britain systematically diminished Iran's share in the Indian market by controlling trade routes, imposing discriminatory tariffs, and monopolizing affiliated companies. In response, the Parsi community and local merchants formed independent unions to resist these measures. The study concludes that British policies reconfigured the economic relationship within a colonial division of labor, positioning India as a "manufacturing hub" and Iran as a "raw material supplier." The absence of autonomous trade institutions further exacerbated structural challenges in bilateral relations.

Cite this article: Parvish, Mohsen (2025). Commercial Relations between Iran and India under British Colonial Policies (A Case Study of the First Pahlavi Era), *Interdisciplinary Studies in Economics*, 1(1), 93 – 112.
<https://doi.org/10.22091/ise.2025.12681.1023>

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.



DOI: <https://doi.org/10.22091/ise.2025.12681.1023>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تحولات تجاری ایران و هند در سایه سیاست‌های استعماری بریتانیا (مطالعه موردی دوره پهلوی اول)

محسن پرویش^۱

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: H.daliri@gu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی. تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ کلیدواژه‌ها: روابط تجاری، ایران، هندوستان، پهلوی اول، صادرات و واردات.	این پژوهش با رویکرد تاریخی-تحلیلی به بررسی تأثیر سیاست‌های استعماری بریتانیا بر روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) می‌پردازد و سه محور را دنبال می‌کند: (۱) سازوکارهای نفوذ بریتانیا در ساختار تجاری دو کشور، (۲) موانع نهادی توسعه مبادلات و (۳) راهبردهای بازیگران غیردولتی. با تحلیل اسناد آرشیوی، مطبوعات دوره و منابع کتابخانه‌ای، یافته‌ها نشان می‌دهد که بریتانیا از طریق کنترل راه‌های تجاری، اعمال مقررات گمرکی تبعیض‌آمیز و انحصار شرکت‌های وابسته، سهم ایران در بازار هند را کاهش داد. در مقابل، پارسیان هند و تجار محلی با تشکیل اتحادیه‌های مستقل به مقابله پرداختند. نتیجه‌گیری کلیدی حاکی از آن است که سیاست‌های بریتانیا با تبدیل هند به «کارگاه تولیدی» و ایران به «تأمین‌کننده مواد خام»، ساختار تجاری دو کشور را در چارچوب تقسیم کار استعماری بازتعریف کرد و فقدان نهادهای تجاری مستقل، توسعه روابط دوجانبه را با چالش‌های ساختاری مواجه ساخت.
استناد: پرویش، محسن (۱۴۰۴). تحولات تجاری ایران و هند در سایه سیاست‌های استعماری بریتانیا با تکیه بر عصر پهلوی اول. <i>مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد</i>، ۱ (۱)، ۹۳-۱۱۲. https://doi.org/10.22091/ise.2025.12681.1023	© نویسندگان.



ناشر: دانشگاه قم.

مقدمه

روابط تجاری ایران و هند به‌عنوان دو تمدن کهن آسیایی، سابقه‌ای طولانی و پرتحول دارد. این روابط در دوره‌های مختلف تاریخی تحت تأثیر عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی قرار گرفته است. در دوران معاصر، به ویژه در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ خورشیدی)، مناسبات اقتصادی ایران و هند در سایه سیاست‌های استعماری بریتانیا دستخوش تغییرات اساسی شد. بریتانیا به‌عنوان قدرت مسلط در شبه قاره هند و نفوذگذار در ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به روابط تجاری این دو کشور ایفا می‌کرد. با تثبیت حکومت رضاشاه و تلاش‌های او برای مدرنیزاسیون و تمرکزگرایی، ایران کوشید تا روابط اقتصادی خود با کشورهای دیگر از جمله، هند را بر اساس منافع ملی خود تنظیم کند. با این حال، حضور پررنگ بریتانیا در هند و سیاست‌های اقتصادی استعماری آن، همواره به‌عنوان عاملی محدودکننده در تحقق اهداف تجاری ایران عمل می‌کرد. از سوی دیگر، هند تحت استعمار بریتانیا به بازاری مهم برای کالاهای ایرانی تبدیل شده بود، اما ساختار تجاری این رابطه عمدتاً یک‌سویه و در خدمت منافع بریتانیا بود.

این پژوهش به بررسی تحولات تجاری ایران و هند در دوره پهلوی اول می‌پردازد و با رویکردی تحلیلی-تاریخی، تأثیر سیاست‌های استعماری بریتانیا را بر این روابط مورد مطالعه قرار می‌دهد. پرسش اصلی این است که چگونه سیاست‌های اقتصادی بریتانیا در هند، روابط بازرگانی ایران و هند را در این دوره تحت تأثیر قرار داد؟ برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از اسناد تاریخی، گزارش‌های تجاری و پژوهش‌های موجود، به تحلیل نقش بریتانیا در شکل‌دهی به مناسبات اقتصادی دو کشور پرداخته خواهد شد.

مروری کوتاه بر تاریخچه روابط تجاری ایران و هند

روابط تجاری ایران و هند به عهد باستان می‌رسد. با ظهور هخامنشیان در قرن ششم پیش از میلاد، روابط ایران و شبه قاره هند شکل گرفت. کوروش کبیر با لشکرکشی به ماورای سند، این منطقه را به قلمرو ایران افزود و پایه‌های همسایگی مستحکمی بین دو تمدن بنا نهاد. داریوش اول با گسترش قلمرو هخامنشی، ایالات پنجاب^۱ و شمال هند را ضمیمه امپراتوری کرد. این اقدام نه تنها روابط سیاسی را تقویت نمود، بلکه باعث نفوذ آیین زرتشت و خط آرامی به هند شد. هند به‌عنوان بیستمین ساتراپی هخامنشی، خراجی سنگین‌تر از دیگر مناطق می‌پرداخت. این روابط اقتصادی، بستری برای تبادلات فرهنگی شد. تمدن هخامنشی تأثیرات گسترده‌ای بر فرهنگ و معماری هندوستان گذاشت، به‌طوری‌که حتی نظام سیاسی هند از الگوی ایرانی اقتباس شد. این نفوذ در معماری نیز آشکار است، چنان‌که کاخ‌های سلسله موربان هند با الهام از طرح‌های تخت‌جمشید ساخته شدند و نمونه‌هایی مانند تالار سرستون‌دار پاتالیپوترا^۲، با ستون‌های سنگی مشابه تخت‌جمشید، این تأثیر را به‌وضوح نشان می‌دهند (بیات، ۱۳۶۵: ۱۰۱).

پادشاهان سلوکی جهت تسهیل در روابط تجاری با هندوستان اقدام به توسعه جاده‌های بزرگ بازرگانی میان آسیا و اروپا و آفریقا نمودند که این امر موجبات روابط تجاری آسان را فراهم می‌نمود (گیرشمن^۳، ۲۳۵: ۱۳۹۸). در دوره اشکانی روابط بازرگانی پر رونقی میان دو کشور برقرار گردید و جاده ابریشم از رونق زیادی برخوردار شد (کیانی راد، ۱۳۹۰: ۶۵). سکه‌های به‌جامانده از عصر اشکانیان، گنجینه‌ای ارزشمند برای درک ابعاد مختلف این تمدن کهن محسوب می‌شوند. پراکندگی جغرافیایی این سکه‌ها - از

۱. Panjab States

۲. Pataliputra

۳. Ghirshman

شبه‌قاره هند تا دشت‌های روسیه - تصویری زنده از شبکه پیچیده بازرگانی اشکانیان ترسیم می‌کند که همچون رگ‌های حیاتی، ثروت و کالا را در پهنه وسیعی از آسیا جریان می‌داد (بروسیوس^۱، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

حکمرانان اشکانی با درایت خاصی، شاهراه‌های تجاری زمینی به شرق را در انحصار خود گرفته بودند و به‌عنوان دروازه‌بانان جاده ابریشم، مانع از نفوذ رقیبان رومی و یونانی به این عرصه می‌شدند. در این میان، تجار عرب به‌عنوان حلقه واسطه، پیوند تجاری میان سواحل ایرانی خلیج فارس و بنادر هند را برقرار می‌ساختند (مشکور، ۱۳۶۹: ۸۳). منابع رومی از اشکانیان به‌عنوان سد راه طلایی یاد می‌کنند که با کنترل سه مسیر استراتژیک (راه دریایی از خلیج فارس، مسیر دریای سرخ و راه زمینی جاده ابریشم) جریان ثروت میان شرق و غرب را مدیریت می‌کردند. این موقعیت منحصر به فرد تجاری، ایران اشکانی را به بازیگری کلیدی در صحنه اقتصاد جهانی عصر باستان تبدیل کرده بود.

از دوران ساسانیان کشتی‌هایی از خلیج فارس و دریای سرخ به بندرهای بازرگانی ساحلی هند میان بمبئی^۲ و گوآ^۳ امروزی رفت و آمد می‌کردند و روابط بازرگانی میان ایران و هند از راه دریا رونق زیادی گرفت. دوران ساسانیان به‌عنوان عصر طلایی تجارت بین‌المللی در خاورمیانه شناخته می‌شد، چرا که این امپراتوری با تسلط استراتژیک بر دو شاهراه حیاتی تجارت جهانی - جاده ابریشم به‌عنوان مسیر زمینی و جاده ادویه به‌عنوان مسیر دریایی - نقش واسطه انکارناپذیری در مبادلات شرق و غرب ایفا می‌کرد. موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر ایران ساسانی، آن را به چهار راه اصلی تبادلات تجاری بین هند، چین، امپراتوری روم و آفریقا تبدیل کرده بود، به‌طوری‌که بازرگانان ساسانی از بنادر خلیج فارس تا کرانه‌های کرمان، شبکه‌ای گسترده از مراکز تجاری ایجاد کرده بودند (دریایی، ۱۳۸۷: ۴۷).

هرچند در اواخر این دوره، جنگ‌های ایران و بیزانس و تغییر مسیرهای تجاری، جریان مبادلات را دچار نوسان کرد، اما میراث تجاری ساسانیان به‌عنوان پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب، تأثیری ماندگار بر تاریخ اقتصاد جهانی بر جای گذاشت. در دوره ساسانی، شبکه گسترده تجارت دریایی به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تبدیل شده بود، به‌گونه‌ای که بنادر فارس به‌عنوان مبادلات بین‌المللی میان شرق و غرب مبدل گشتند. بازرگانان ایرانی با مهارت خاصی از این بنادر تا سواحل دوردست چین کشتیرانی می‌کردند، در حالی که رقبای بیزانسی نیز در پی دستیابی به ابریشم، مسیرهای دریایی از عدن تا مالابار و چین را درنوردیدند. (دریایی، ۱۳۸۷: ۵۱) این تجارت پررونق نه تنها شامل واردات ابریشم از هند و چین می‌شد، بلکه صادرات صنایع دستی ایرانی مانند فرش‌های بابل، جواهرات سوری، پارچه‌های مصری و ادویه‌جات را نیز در بر می‌گرفت. پیشرفت چشم‌گیر صنعت نساجی در این دوره، همراه با جریان مستمر کاروان‌ها در مسیرهای زمینی آسیای مرکزی (هوار، ۱۳۶۳: ۱۶۱) نشان‌دهنده شکوفایی بی‌سابقه اقتصادی بود که رفاه نسبی را برای فعالان این شبکه تجاری به ارمغان آورده بود. در دوره اسلامی رابطه مناسبی بین دو کشور برقرار نبود چرا که غزنویان هند را مورد غارت خود قرار دادند، اما با پایان دوره مغول و تیموری روابط میان ایران و هند بار دیگر برقرار شد.

در دوره صفوی بازرگانان زیادی به ایران به‌خصوص هرمز وارد می‌شدند که در آن‌جا به تجارت مشغول بودند (سفرنامه ونیزیان، ۱۳۸۱: ۹۵). به گفته الاسلام در دوره صفوی نزدیک به ۱۲۰۰۰ بازرگان هندی در شهرهای اصفهان و بندرعباس به تجارت مشغول بوده‌اند (الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۷۱). بازرگانان هندی در تجارت با ایران به‌ویژه از راه خلیج فارس سهم مهمی داشتند. شمار زیادی از تجار

۱. Berusseus

۲. Bombay

۳. Goa

هندی در شهرهایی مثل شیراز، اصفهان، تبریز و ... به تجارت می‌پرداختند (تاورنیه^۱، ۱۳۶۳: ۵۱۳). تجارت هندی در اصفهان مکان‌های تجاری مخصوصی را داشتند. از جمله کاروان‌سرای مولتانیان^۲ که مخصوص تجارت مولتان بود (شاردن^۳، ۱۳۳۵: ۱۳۲). روابط ایران و هند در دوره افشاریه، تحت تأثیر حملات نادر به هندوستان قرار گرفت، اما در دوران زندیه روابط ایران و هند، بسیار دوستانه و بیشتر مبتنی بر مناسبات بازرگانی بود (تاریخ سفارت حاجی خلیل خان و محمد نبی خان به هندوستان، ۱۳۷۹: ۱۹). کریم‌خان زند حتی کاروان‌سرای مخصوص برای بازرگانان هندی احداث نمود. از اواخر قرن هجدهم، محور سیاست‌های بریتانیا در آسیا حفظ سلطه خود بر شبه‌قاره هند بود. از این رو مجاورت ایران با هندوستان آن را تبدیل به منطقه‌ای استراتژیک و حیاتی برای حفظ شبه‌قاره هند کرد. این مسائل باعث می‌شد که انگلستان کنترل شدیدتری بر روابط ایران و هند داشته باشد. انگلیسی‌ها با ایجاد وزارت هند و انتصاب حکمران انگلیسی در این سرزمین فصل تازه‌ای را در فعالیت‌های خود در منطقه آغاز نمود (جناب، ۱۳۵۶: ۱۹).

سیاست‌های انگلستان در مهار تجارت ایران و هند

در اواخر قرن هجدهم، روابط ایران و انگلیس که پیش‌تر محدود به مبادلات تجاری در جنوب ایران بود، با ظهور دو تهدید استراتژیک برای هند - از سوی احمدشاه درانی از شرق و ناپلئون بناپارت از غرب - دگرگون شد. این تحول، انگلیس را وادار به اتخاذ سیاستی فعالانه در قبال ایران کرد. ابتدا با اعزام مهدی علیخان در ۱۲۱۲ ه.ق/ ۱۷۹۷ م، تلاش کردند با عرضه کالاهای اروپایی به قیمت‌های نازل (تا ۲۰ درصد زیر قیمت واقعی)، هم بازار ایران را از رقبای روسی خالی کنند و هم حسن نیت سیاسی کسب نمایند. سپس با انتخاب جزیره قشم به‌جای خارک به‌عنوان پایگاه تجاری-نظامی (به‌دلیل موقعیت استراتژیک آن در مدخل خلیج فارس)، سیستمی از کنترل را ایجاد کردند که شامل استقرار ۵۰۰ سرباز هندی و دو کشتی جنگی می‌شد (رایت^۴، ۱۳۶۴: ۴۱).

این تحولات نشان‌گر گذار انگلیس از رویکرد تجاری محض به استراتژی تمام عیار ژئوپلیتیک بود که هند در کانون تمامی محاسبات آن قرار داشت. سیاست‌های انگلستان برای مهار تجارت ایران و هند، مبتنی بر استراتژی چندجانبه‌ای بود که هم مسیرهای تجاری و هم ساختارهای اقتصادی منطقه را هدف قرار می‌داد. با تثبیت سلطه بر هندوستان، انگلیسی‌ها به‌تدریج مسیرهای سنتی تجاری ایران با شبه‌قاره را مختل کردند. آن‌ها با انحصارگری در کشتیرانی اقیانوس هند و خلیج فارس، جایگزین تجار ایرانی و عرب شدند و بنادر مهمی مانند بمبئی و کلکته^۵ را به مراکز تجاری خود تبدیل نمودند. هم‌زمان، انگلیس با اعمال فشارهای دیپلماتیک بر ایران، قراردادهای نابرابری مانند عهدنامه پاریس (۱۸۵۷) و قرارداد گمرکی (۱۸۹۰) را تحمیل کرد که حقوق گمرکی کالاهای انگلیسی را به حداقل می‌رساند و صنایع دستی ایرانی را در معرض رقابت ناعادلانه قرار می‌داد. این سیاست‌ها به‌تدریج ایران را از موقعیت تاریخی‌اش به‌عنوان پل ارتباطی شرق و غرب محروم ساخت و اقتصاد آن را به بازاری برای کالاهای صنعتی انگلیس تبدیل کرد.

بنابراین انگلیس با ظاهری دوستانه، در پی اهداف استعماری عمیق‌تری در قبال ایران بود. علاوه بر ایجاد منطقه حائل برای محافظت از هند، تلاش می‌کرد ایران را با مسائل داخلی مشغول نگه دارد تا از هرگونه تمایل به گسترش نفوذ به سمت هند جلوگیری کند. تشکیل افغانستان مستقل به‌عنوان دیوار دفاعی در برابر ایران، بخشی از این طرح بود تا دسترسی ایران به مرزهای هند را قطع

۱. Tavernier

۲. Multani

۳. Chardin

۴. Right

۵. Calcutta

کند. هم‌زمان، نگرانی عمیق انگلیس از نفوذ فرهنگی ایران در هند - که بیش از هشت قرن زبان فارسی، فرهنگ و تمدن ایرانی در شبه‌قاره جریان داشت - آن‌ها را وادار به اقدامات پیشگیرانه کرد. این نفوذ، سلطه فرهنگی و سیاسی بریتانیا بر هند را تهدید می‌کرد. بنابراین، سیاست انگلیس ترکیبی از مهار جغرافیایی و مقابله با تأثیرات فرهنگی ایران بود تا هند را به‌طور کامل در اختیار بگیرد (نفیسی، ۱۳۴۴: ۷۸).

تجارت ایران در دوره قاجاریه بیشتر از حوزه خلیج فارس صورت می‌گرفت، چرا که در سال‌های ابتدایی حکومت قاجار تسهیلات اعتباری در بوشهر در نظر گرفته شد. این امر بر گسترش علاقه تجار ایرانی نسبت به تجارت با هند موثر واقع شد (گرومون^۱، ۱۳۷۸: ۱۳۱). سال‌های نخستین حکومت قاجار مهم‌ترین شریک تجاری ایران هندوستان بود، که از طریق بندر بوشهر کالاهای زیادی به هند صادر می‌شد. حجم بالای صادرات به هند نشان‌دهنده علاقه بیشتر تجار به فعالیت‌های تجاری با هندوستان و نیز تلاش زیاد نمایندگان کمپانی هند شرقی در خلیج فارس به‌ویژه بندر بوشهر بوده است (سعیدی نیا، ۱۳۹۰: ۳۹۵). از مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران به هند می‌توان به مرارید و گلاب و... اشاره کرد (ادوارد اسکات^۲، ۱۸۰۷: ۷۷).

در اواخر دوره قاجار مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران از هند نیز عبارت بودند از: چوب، منسوجات، اجناس خرازی، ساعت، کاغذ، پوست، چرم و اشیای گلی (مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۷: ۴۳۱). در دوره مظفری تجارت خانه‌های زیادی از زرتشتیان و پارسیان ایرانی تأمین می‌شدند به‌طوری‌که در دوره رضاشاه هم چندین کرسی مشاغل حساس در اختیار این گروه قرار گرفت (شهمردان، ۱۳۳۰: ۵۱). در دوران پهلوی اول نیز نگرانی‌های انگلستان در مورد هندوستان تاحدودی، ادامه یافت (شفق سرخ، ۱۳۱۱: ۱) به‌گونه‌ای که عده‌ای یکی از علل روی کار آمدن رضاخان توسط بریتانیا را همین نگرانی می‌دانند. دولت انگلیس، هندوستان را دره التاج امپراتوری خود می‌دانست و تا جایی‌که که امکان داشت در محافظت راه‌های دریایی و خشکی آن می‌کوشید (حبل‌المتین، ۱۳۰۹: ۷). همچنین، در این دوره هم روابط تجاری و بازرگانی نسبتاً خوبی با توجه به فرصت‌ها و ظرفیت‌های دو کشور ایران و هندوستان برقرار بود. پس از استقلال هند در دوره پهلوی دوم روابط تجاری از رونق خاصی برخوردار گردید.

عناصر زیربنایی و نقش آن‌ها در تجارت دو کشور

در اوایل قرن بیستم، تمایل مردم هندوستان به دوری از کالاهای خارجی و به‌ویژه محصولات غربی افزایش یافت. این گرایش ضداستعماری نه تنها به یک جنبش اجتماعی تبدیل شد، بلکه به ترویج صنایع محلی و تقویت روابط تجاری با کشورهای شرقی انجامید (اشیدری، ۲۵۳۵: ۱۱۲). هندی‌ها معتقد بودند که دولت محلی نه تنها از توسعه صنایع داخلی حمایت نمی‌کند، بلکه با بی‌توجهی، هنر و صنایع دستی سنتی را نیز تضعیف کرده است (اطلاعات، ۱۳۱۰: ۱). این نگرش باعث شد تا تمایل آن‌ها به همکاری‌های علمی، ادبی، صنعتی و به‌ویژه تجاری با ملل شرق، به‌ویژه ایران، روزبه‌روز بیش‌تر شود. ایران از نظر تجاری برای هندوستان اهمیت ویژه‌ای داشت. اولاً حجم مبادلات بین دو کشور قابل توجه بود. ثانیاً بخش عمده تجارت جنوب ایران و سواحل خلیج فارس با هند انجام می‌شد و بسیاری از تجار ایرانی در شهرهای مهم هند نمایندگی و تجارت‌خانه داشتند (رستاخیز، ۱۳۳۵: ۱۱). علاوه بر این، پارسیان هند که نقشی کلیدی در اقتصاد این کشور ایفا می‌کردند و در پروژه‌های بزرگی مانند راه آهن و صنایع سرمایه‌گذاری کرده بودند، تمایل داشتند روابط خود با ایران را گسترش دهند (اشیدری، ۲۵۳۵: ۱۱۲). آن‌ها ترجیح می‌دادند به‌جای واردات کالا از اروپا، نیازهای هند را از ایران تأمین کنند تا پیوندهای خود با سرزمین اجدادی را حفظ نمایند (اطلاعات، ۱۳۱۰: ۱).

۱. Grousset

۲. Edward scott

بنابراین، تمام عوامل لازم برای گسترش روابط تجاری بین ایران و هند در دوره پهلوی اول فراهم بود و بازرگانان ایرانی می‌توانستند دامنه مبادلات خود را گسترش دهند (اشیدری، ۲۵۳۵: ۱۱۲). همچنین، زمینه‌های مناسبی ایجاد شده بود تا تجار ایرانی بتوانند کالاهای ساخت ایران را به هند صادر کنند و در مقابل، محصولات مورد نیاز ایران را از هند وارد نمایند. با وجود این شرایط مساعد، روابط تجاری پرونقی میان دو کشور تا اواسط حکومت پهلوی اول شکل نگرفت. با این حال، مهم‌ترین مؤلفه‌های روابط تجاری ایران و هند در این دوره عبارت بودند از:

۱. مسیرهای تجاری

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در رونق تجارت بین المللی، وجود راه‌های ارتباطی کارآمد و سیستم حمل و نقل مناسب است، که به‌عنوان شریان اصلی مبادلات اقتصادی عمل می‌کند (نامه راه، ۱۳۱۹: ۳۳). در دوره پهلوی اول، ایران عمدتاً از طریق مسیرهای دریایی خلیج فارس با هندوستان ارتباط تجاری داشت. با این حال، سلطه شرکت‌های کشتیرانی خارجی بر این مسیر و تعیین نرخ‌های ناعادلانه کرایه دریایی، صادرات ایران را با چالش‌های جدی مواجه کرده بود. ضعف زیرساخت‌های دریایی ایران در آن دوره به حدی بود که کشور قادر به تأسیس یک شرکت کشتیرانی رقابتی در برابر شرکت‌های اروپایی نبود. در نتیجه، دولت تلاش کرد با تشویق تجار ایرانی مقیم هند و شرکت‌های کشتیرانی هندی، تعداد کشتی‌های فعال در این مسیر را افزایش دهد تا حجم صادرات ایران بهبود یابد. اما این اقدامات نیز به دلیل محدودیت‌های مالی و فنی، آن‌چنان که انتظار می‌رفت موفقیت‌آمیز نبود (نامه راه، ۱۳۱۹: ۳۴). این مشکلات حمل و نقلی نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود پتانسیل‌های تجاری بین ایران و هند، نبود زیرساخت‌های مستقل و کارآمد، یکی از موانع اصلی در توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور در دوره پهلوی اول محسوب می‌شد. این امر لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش لجستیک و حمل و نقل را برای کاهش وابستگی به شرکت‌های خارجی آشکار می‌ساخت.

یکی از مهم‌ترین راه‌های تجاری ایران و هند در دوره پهلوی اول، مسیر زاهدان (دزداب قدیم) بود که با احداث راه آهن به هندوستان تحت سیاست‌های انگلیس ایجاد شد. این مسیر موجب رونق تجاری زاهدان گردید، به‌طوری‌که در ابتدای حکومت رضا شاه، بخش عمده تجارت منطقه در اختیار تجار هندی بود. توسعه این راه همچنین، موجبات مهاجرت تعداد زیادی از سیک‌های هندی به ایران را فراهم آورد که بسیاری از آنها در شرکت نفت انگلیس و ایران مشغول به کار شدند. با این حال، این امر با اعتراضات رسمی مقامات ایرانی همراه بود، چرا که شرکت نفت به جای استخدام نیروهای ایرانی، کارگران هندی را با مزایای بیشتر به کار می‌گرفت (ریاحی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). علاوه بر نقش تجاری، حضور کارگران هندی تأثیرات اجتماعی و سیاسی نیز داشت. در سال ۱۳۰۸ شمسی بیش از ۱۰ هزار کارگر هندی در پالایشگاه آبادان مشغول به کار بودند (فرریر^۱، ۱۹۸۲: ۶۵۹). این کارگران در اعتصابات کارگری اوایل دوره پهلوی نقش فعالی ایفا کردند و خواستار افزایش دستمزد بودند که در نهایت منجر به اخراج حدود ۲۰۰ نفر از آنها و بازگشتشان به هندوستان شد (ساتون^۲، ۱۹۹۵: ۱۶۹-۱۶۸). بدین ترتیب، اگرچه راه زاهدان بستر مناسبی برای توسعه روابط تجاری فراهم کرده بود، اما پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن نیازمند مدیریت دقیق‌تر از سوی دولت ایران بود.

در دوره پهلوی اول، کلیه کالاهای صادراتی ایران که از مسیر زاهدان و از طریق راه آهن شمال غرب هند به این کشور وارد می‌شدند، از پرداخت حقوق گمرکی معاف بودند. این مزیت تجاری باعث شد تا صادرکنندگان ایرانی کالاهای گران‌قیمتی مانند فرش، مغز بادام، انگور خشک و سایر محصولات با ارزش را عمدتاً از این مسیر و به‌ویژه به مقصد بمبئی ارسال نمایند. این معافیت گمرکی

۱. Ferrier

۲. Sutton

به‌طور قابل توجهی هزینه‌های تجاری را کاهش می‌داد و مزیت رقابتی مهمی برای بازرگانان ایرانی محسوب می‌شد. یکی از مهم‌ترین کالاهای مبادله شده از این مسیر چای بود که از وضعیت ویژه برخوردار بود. در سال ۱۳۱۲ شمسی، دولت هندوستان با تصویب قانونی، صادرات چای به خارج را به ۳۲۵ میلیون رطل محدود و برای آن دو نرخ متفاوت تعیین کرد: نرخ ارزان‌تر برای مصرف داخلی و نرخ گران‌تر برای صادرات. با این حال، چای ارسالی به ایران از طریق زاهدان از این قانون مستثنی بود و در حکم مصرف داخلی شمال غرب هند محسوب می‌شد. این استثنا به دلیل سهمیه ۴ میلیون رطل چای اختصاص یافته به منطقه شمال غرب هند بود که زاهدان نیز می‌توانست از آن استفاده کند (اطلاق تجارت، ۱۳۱۲: ۲۰). این سیاست خاص، مسیر زاهدان را به یکی از مهم‌ترین مقرون به صرفه‌ترین راه‌های تجاری بین ایران و هند تبدیل کرده بود.

در این راستا دولت هندوستان مقررات سرحدی وضع کرده بود. به‌عنوان مثال در بند الف مقررات سال ۱۳۱۸ شمسی مقرر شده بود که در نوك كندی برای دریافت حقوق گمرکی از مال التجاره‌هایی که از راه خشکی از خاك ایران وارد می‌شوند، اداره گمرک تأسیس شود. همچنین، مقرر شده بود راهی را که از زاهدان به نوك كندی یا به اداره گمرکی نوك كندی می‌رسد، تنها راهی شناخته شود که مال التجاره‌های ایرانی مشمول گمرکی اجازه داشته باشند، با راه آهن یا از طریق شوسه به این راه وارد شوند. در این مقررات ذکر شده بود که از طرف اداره عایدات مرکزی مقرر است که واردکنندگان مال التجاره برای تعیین نوع اموالی که از سرحدات ارضی خارجی یعنی ایران به ناحیه فوق وارد می‌کنند، در هر مورد می‌بایست جواز در دست داشته باشند. به موجب تبصره يك و دو و ماده ۵ مال التجاره‌های ایرانی که مشمول پرداخت حقوق گمرکی نیستند از این قانون مستثنی بودند (نامه بازرگان، ۱۳۱۷: ۱۹).

در دوره پهلوی اول، سیاست‌های گمرکی هند تأثیرات عمیقی بر تجارت مرزی ایران به‌ویژه در منطقه زاهدان گذاشت. این شهر که پیش‌تر به‌عنوان کانون اصلی مبادلات تجاری ایران و هند شناخته می‌شد و بخش عمده صادرات ایران از این مسیر انجام می‌گرفت، با تغییر مقررات گمرکی هند دچار بحران شدید اقتصادی شد. این تغییرات به‌حدی جدی بود که کفیل اداره کل تجارت ایران، آقای وثیقی، در نام‌های به نمایندگی تجاری ایران در شرق، خواستار بررسی دقیق دلایل این تغییر سیاست‌ها و یافتن راه‌کارهای مناسب برای بهبود وضعیت شد (ساکما: ۱۸۲۹۲/۲۴۰). این بحران تجاری نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد منطق‌های به سیاست‌های خارجی و لزوم اتخاذ راهبردهای مستقل تجاری بود. دولت ایران در پی یافتن راه‌حلی‌هایی مانند مذاکره با مقامات هندی، تنوع بخشیدن به مسیرهای تجاری و حمایت از بازرگانان محلی درآمد تا از تبعات منفی این تغییرات بر اقتصاد منطقه بکاهد.

یکی از عوامل مؤثر در رکود تجاری مسیر زاهدان، گسترش قاچاق کالاهای غیرایرانی و تقلبی توسط تجار ایرانی و هندی بود که واکنش شدید دولت هند را برانگیخت و به موقت مسدود شدن این راه انجامید. با این حال، با پیگیری‌های دیپلماتیک دولت ایران، این مسیر تجاری بار دیگر احیا شد و روابط بازرگانی دو کشور از سر گرفته شد (ساکما: ۱۷۹۵۱/۲۴۰). در همین دوره، تجارت‌خانه حاج علی محمد خویی کلکته‌چی با ارسال پیشنهادی به وزارت دربار، خواستار اعطای امتیاز انحصاری ۲۵ ساله برای واردات چای از هند و دیگر کشورها شد. این پیشنهاد که شامل تأسیس یک شرکت سهامی برای نظارت بر تجارت چای نیز می‌شد، نشان‌گر تلاش بخش خصوصی برای سامان‌دهی بازار و مقابله با قاچاق این کالای استراتژیک بود (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه، ۱۳۸۰: ۲۸۶-۲۸۵). چنین طرح‌هایی بیان‌گر چالش‌های ساختاری تجارت خارجی ایران و تلاش برای ایجاد نظم در مبادلات بازرگانی بود.

یکی دیگر از مسیرهای مهم تجاری ایران با هندوستان، مسیر دریایی از طریق خلیج فارس و به‌ویژه بندر بوشهر بود. این بندر که در دوره قاجار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بنادر تجاری ایران شناخته می‌شد (لوریمر^۱، ۱۳۷۹: ۱۷۰)، در اوایل حکومت پهلوی نیز نقش کلیدی خود را در مبادلات بازرگانی حفظ کرد. با این تفاوت که در این دوره صادرات ایران از طریق بوشهر بر واردات پیشی گرفت. این تحول مرهون مشارکت گسترده‌تر تجار داخلی و خارجی در فعالیت‌های تجاری این بندر و تمایل بازرگانان به استفاده از این مسیر برای مبادله کالا بین ایران، هند و انگلیس بود. در این میان، هندوستان به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری ایران از طریق بندر بوشهر محسوب می‌شد. منطقه موسلیپتان در هند از جمله مهم‌ترین نواحی تجاری بود که روابط اقتصادی مستحکمی با بوشهر برقرار کرده بود (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۰۷). پارچه‌های کتان گل‌دار از جمله کالاهای عمده وارداتی از این منطقه به بوشهر بودند. این روابط تجاری هر چند تحت تأثیر سیاست‌های انگلیس در خلیج فارس قرار داشت، اما نشان‌دهنده ظرفیت بالای بوشهر به‌عنوان یک کانون تجاری منطقه‌ای و نقش حیاتی آن در ارتباطات اقتصادی ایران با شبه قاره هند بود.

۲. نقش تجار و عناصر فعال در بازرگانی دو کشور

اطاق تجارت ایرانیان بمبئی

تشکیل اتاق تجارت ایرانیان در بمبئی از مهم‌ترین اقدامات دولت پهلوی اول برای سامان‌دهی روابط بازرگانی با هند بود. این نهاد به‌عنوان حلقه ارتباطی میان بازرگانان ایرانی و مقامات دو کشور عمل می‌کرد و وظایف مهمی مانند جمع‌آوری آمارهای تجاری، ارائه مشاوره‌های تخصصی و تسهیل مبادلات بازرگانی را بر عهده داشت. گزارش روزنامه اطلاعات در تیر ۱۳۱۱ از تجدید انتخابات هیأت مدیره این اتاق حکایت از فعالیت منظم و ساختاریافته آن دارد (اطلاعات، ۱۳۱۱: ۱). تشکیل چنین نهادی نشان‌گر تحول در رویکردهای تجاری ایران و تلاش برای نظام‌مندسازی روابط اقتصادی با شرکای خارجی بود. اتاق تجارت بمبئی علاوه بر نقش اطلاعاتی و مشورتی، به‌عنوان نماینده منافع تجار ایرانی در هند نیز عمل می‌کرد.

این نهاد با رصد دقیق بازارهای هندی و ارائه تحلیل‌های کارشناسی، به دولت ایران در اتخاذ تصمیم‌های تجاری کمک می‌رساند. توجه ویژه به تشکیل چنین نهادی در بمبئی - که یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری هند بود - نشان‌دهنده اهمیت راهبردی این شهر در مناسبات اقتصادی ایران محسوب می‌شد. مکاتبات بین اداره کل تجارت ایران و اتاق تجارت ایرانیان در بمبئی درباره صادرات انقوزه (انگور خشک) و برگ گاوزبان، منجر به تشویق و حمایت اداره کل تجارت از فعالیت‌های این نهاد شد. بر این اساس، اداره کل تجارت به‌منظور توسعه صادرات این محصولات به بازار هند، دستور تشکیل شرکتی را صادر کرد که تجارت انقوزه را به‌طور کامل در اختیار تجار ایرانی قرار دهد. این اقدام باعث شد تا کالاهای صادراتی ایران مستقیماً توسط بازرگانان ایرانی به بازارهای هند عرضه شود (اطلاعات، ۱۳۱۱: ۲). این تصمیم گام مهمی در جهت کاهش واسطه‌ها و افزایش سود تجار ایرانی محسوب می‌شد. اعضای اطاق تجارت ایرانیان بمبئی در سال ۱۳۱۳ این گونه بود: (اطاق تجارت، ۱۳۱۳: ۲۰) محمدتقی افشار (رئیس)، حاجی محمد صادق شوشتری (نائب رئیس)، حاجی میرزا محمدابراهیم دهدشتی (عضو هیئت عامله)، حاجی محمدرضا بوشهری (عضو هیئت عامله)، عبدالله مولد (عضو هیئت عامله)، عبدالحسین آزاد (منشی)، شهریار اهرستانی (عضو هیئت عامله) و فریدن زردشتی زاده (منشی).

شرکت‌های تجاری و تجارت‌خانه‌های ایرانی در هندوستان

در قرن نوزدهم، رونق اقتصادی بمبئی به‌ویژه در حوزه نساجی و صنایع سنگین، این شهر را به مقصدی جذاب برای ایرانیان تبدیل کرد. این تحولات اقتصادی موجب شد پارسیان هند که عمدتاً ریشه ایرانی داشتند، در کنار حفظ پیوندهای فرهنگی با سرزمین اجدادی خود، به نقش فعالی در توسعه صنعتی ایران بپردازند. دولت پهلوی اول با درک این پتانسیل، تلاش کرد از سرمایه‌گذاری و تخصص پارسیان هند در پروژه‌های زیربنایی مانند راه‌آهن بهره‌برداری کند. رضا شاه در گفت‌وگوهای خود با جامعه پارسی، بر جنبه‌های سودآور اقتصادی و همچنین مسئولیت ملی آنان در قبال سرزمین مادری تأکید داشت (مرعشی، ۲۰۲۰: ۲۱۹). این رویکرد منجر به مشارکت فزاینده پارسیان در پروژه‌های توسعه‌ای ایران شد. دولت پهلوی اول با درک اهمیت سرمایه‌گذاری پارسیان هند در توسعه اقتصادی ایران، سیاست‌های تشویقی گسترده‌ای را برای جذب این جامعه به اجرا گذاشت. این اقدامات شامل ارائه معافیت‌های گمرکی به مهاجران بازگشتی، ایجاد زیرساخت‌های تجاری مناسب مانند راه‌سازی و اصلاح بنادر و تضمین امنیت اقتصادی و اجتماعی برای سرمایه‌گذاران پارسی بود (ساکما، ۱۰۵۴۵-۱۱). در سال ۱۳۰۹ شمسی، تصویب قانون معافیت مهاجران از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض مرتبط، گامی مؤثر در ترغیب پارسیان هند به بازگشت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعتی و تجاری ایران محسوب می‌شد (ساکما، ۱۰۹۶-۴: ۳۱۰-۱۰: ۷۹۶).

از طرف پارسیان شرکتی در هندوستان تشکیل گردید به اسم شرکت صنعتی و تجارتی پارسیان در ایران. سرمایه این شرکت دو میلیون روپیه تعیین شده بود و پس از جمع‌آوری سرمایه تشریفات رسمی ثبت شرکت نیز به‌عمل آمده و کلیه مراحل قانونی آن طی گردیده بود. شخصی به نام رستم مسانی به نمایندگی از طرف این شرکت با مهندسين و متخصصين به طرف ایران حرکت کردند، که منظور پارسیان را نسبت به نزدیکی با ایران به مرحله اجرا درآوردند. این شرکت با تجار خراسان روابط تجاری مهمی برقرار کرده بود. ارتباط شرکت پارسیان بمبئی با تجار خراسان سبب شده بود که روز به روز روابط تجاری و معنوی تجار ایران با زردشتیان و پارسیان هندوستان زیاد شود. بدیهی است منافع بزرگی برای طرفین دربرداشت، چرا که هندوستان بازار بزرگی برای خشکبار ایران بود. همان‌طور که ایران بازار خوبی برای بسیاری از امتعه هندوستان به شمار می‌رفت. از سویی دیگر، پارسیان از هندوستان عازم آبادان شدند و در آن‌جا به کشاورزی مشغول شدند، زیرا که هم زمین مرغوب فراوان بود و هم آب به‌قدر کافی وجود داشت. بنابراین، محصولات فروانی برداشت می‌کردند که این امر با موانع و مشکلاتی از سوی انگلیس‌ها برای آنان همراه بود (افتخاری، ۱۳۷۰: ۳۳). دولت پهلوی اول با وجود تلاش‌های گسترده برای جذب سرمایه‌گذاری پارسیان هند، با چالش‌های جدی مواجه شد. منابع تاریخی نشان می‌دهد که سیاست‌مداران انگلیسی مستقر در هند به‌صورت فعالانه با بازگشت پارسیان به ایران مخالفت می‌کردند (حبل‌المتین کلکته، ۱۳۳۳). این مخالفت‌ها از طریق رسانه‌های وابسته به انگلیس، از جمله روزنامه‌های فارسی‌زبان و خبرگزاری رویت‌ر، با تبلیغات منفی درباره ناامنی‌ها و تبعیض‌های مذهبی در ایران تشدید می‌شد. در مقابل، روشنفکران ایرانی مقیم هند، مانند مدیران نشریه حبل‌المتین کلکته، با انتشار مقالات تحلیلی از پارسیان می‌خواستند تحت تأثیر این تبلیغات قرار نگیرند و با سفر به ایران، واقعیت‌های کشور را از نزدیک مشاهده کنند.

دولت پهلوی اول با برنامه‌ریزی دقیق، طرحی بلندپروازانه برای بازگرداندن پارسیان ثروتمند هند را به ایران تدوین کرد. مقامات ایرانی قصد داشتند با اختصاص هزار هکتار زمین در خوزستان به بیست تن از میلیونرهای پارسی که مجموعاً دارای هفتاد میلیون لیره ثروت بودند، آنان را ترغیب به بازگشت کنند (نوری اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۷۱۴). این طرح که حدود هفتاد هزار پارسی هند را تحت پوشش قرار می‌داد، با تشکیل کمیته‌ای به رهبری دین‌شاه در بمبئی و همکاری کنسول‌گری‌های ایران در هند دنبال می‌شد. محافل

تجاری ایران از این طرح استقبال می‌کردند، چرا که معتقد بودند سرمایه‌گذاری پارسیان در صنایع محلی می‌تواند به رشد اقتصادی کشور کمک شایانی کند. با این حال، مخالفت‌های نظام استعماری بریتانیا به عنوان مانع اصلی اجرای این طرح ظاهر شد. سیاستمداران انگلیسی در هند که نمی‌خواستند سرمایه‌های کلان پارسیان از مهم‌ترین مستعمره آنها خارج شود، از طریق تبلیغات منفی و ایجاد تردید در میان پارسیان درباره مزایای بازگشت به ایران، تلاش گسترده‌ای برای خنثی کردن این طرح انجام دادند.

با این وجود در دوره پهلوی اول، حضور تجار هندی در شهرهای جنوبی ایران مانند بندرعباس، کرمان و میناب چشم‌گیر بود. این بازرگانان که سرمایه‌های خود را به ایران منتقل کرده بودند، با چالش‌های مالی و بانکی مواجه می‌شدند. همان‌گونه که در تلگرافی به وزارت دربار اشاره شده، آنها از توقف خرید و فروش بروات خارجی توسط بانک‌ها و تجار ایرانی گلایه داشتند: «بسیاری از کالاهایی که باید در مقابل برات خارجه خریداری و به کراچی و بمبئی رسانیده که بارنامه‌های اموال مذکور از بانک اخذ و پس از رسیدن اموال خود را از گمرک خارج نماییم. اینک بانک و کلیه تجار خرید و فروش بروات خارجه را موقوف داشته‌اند...» (افتخاری، ۱۳۷۰: ۱۰۱).

این محدودیت‌های مالی، فعالیت‌های تجاری آنها را با مشکل مواجه ساخته بود. تجار هندی در نامه خود به وزارت دربار، با لحنی احترام‌آمیز اما اضطرابی درخواست کرده بودند: «مستدعی است که اسباب تسهیل کارها فراهم فرموده که آبروی ما حفظ و پیش از این خسارت سود ارضیه و عوارض دیگر بر ماها وارد نشده و برای آتیه نیز دستوراتی که موجب آسایش ما باشد صادر فرمایید» (همان).

وضعیت صادرات و واردات ایران با هند

بدون شك میزان ترقی و تعالی هر کشوری بستگی به وسعت تجارت و کثرت صادرات آن کشور دارد. در سال ۱۳۰۹ شمسی صادرات ایران از راه دریا به هندوستان غیر از نفت نزدیک شش میلیون و نیم روپیه بوده در صورتی که در سال ۱۳۰۸ شمسی قریب هفت میلیون و هشتصد هزار روپیه بوده است. از طرف دیگر واردات از هند به ایران در اوایل سال‌های حکومت سلطنت پهلوی قریب شانزده میلیون روپیه بوده است. مهم‌ترین مال التجاره‌های صادره از ایران به هندوستان در اوایل سال ۱۳۰۹ ش خشکبار، مواد خام و قالی بود که روی هم رفته غیر از انقوزه در صادرات سایر اجناس از راه دریا تنزل دیده می‌شود. در اوایل سال ۱۳۱۰ ش بازار امتعه ایران خوب بود، اما رفته رفته به واسطه تنزل نقره و پول ایران بازار امتعه رو به رکود گذاشت، تا آن که بالاخره انقلاب هند شکل گرفت.

این امر باعث شد نه فقط مال التجاره‌های ایران در هندوستان بازاری نداشته باشد، بلکه هرگونه جنس خارجی در آنجا از درجه اهمیت و ارزش بیفتد. به همین سبب تجار به مراکز خود اعلام می‌کردند که در حمل اجناس دست نگه دارند. با این وجود کالاهایی همچون پنبه و انقوزه را همیشه می‌خریدند. در همین راستا، راه دزداب اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت. چون این راه برای کمک به راه آهن سیستان از کلیه عوارض گمرکی معاف بود و بسیاری از مال التجاره‌های ایران از راه دزداب وارد هند می‌شدند و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شد. مبالغ زیادی خشکبار و بادام از راه دزداب صادر می‌شد، که در پنجاب و سایر نقاط به فروش می‌رسید (اطاق تجارت، ۱۳۰۹: ۱۰).

یکی دیگر از مسائلی که در صادرات ایران با هند باعث امیدواری ایرانیان مقیم بمبئی شده بود، قانونی راجع به صدور مال التجاره ایران بود، که دولت برای به دست آوردن برات خارجی مقرر کرده بود که نصف قیمت مال التجاره‌هایی که خارج می‌شود، برات آن را به بانک ملی بفروشند تا بدین طریق جای برواتی که تاکنون صادر نموده است را پر نمایند. برای عملی شدن این کار مقرر گردیده بود که مال التجاره ایران باید قبلاً به فروش برسد و وجه آن پرداخته شود، سپس به خارج حمل نمایند. این امر سبب می‌شد که تجار به واسطه نبودن وسائل حمل و نقل سریع معمولاً مال التجاره‌های خود را کم کم به بنادر ایران می‌فرستادند و از آنجا نیز بدون آنکه از بمبئی یا سایر نقاط سفارش شده باشد و یا طرف احتیاج معامله باشد به هندوستان حمل شود (اطاق تجارت، ۱۳۰۹: ۱۰).

صادرات ایران به هندوستان

کالاهای مبادلاتی فراوانی میان ایران و هند در این زمان در گردش بوده است. از جمله محصولاتی که صدور آن به هندوستان در دوره زمانی مورد بحث حائز اهمیت بود عبارت است از: بادام، قالی و قالیچه، کنیرا و انقوزه، حبوبات، طبی، پوست و روده، زیره و دواجات نباتی، پنبه خام، ابریشم ساخته شده و پشم و... یکی از محصولاتی که از صادرات مخصوص ایران به هندوستان محسوب می‌گردد «انقوزه»^۱ بود. انقوزه به عنوان یکی از کالاهای استراتژیک صادراتی ایران به هندوستان، نقش مهمی در روابط تجاری دو کشور ایفا می‌کرد. این محصول که در بمبئی بازار گرمی داشت، توسط تجار متخصص هندی خریداری می‌شد که به خوبی می‌توانستند تفاوت انواع آن را تشخیص دهند و با افزودن صمغ و ادویه، آن را برای بازار هند آماده کنند (اطاق تجارت، ۱۳۱۰: ۲۰). با این حال، سودآوری این تجارت با مشکلاتی مواجه شد. کاهش شدید قیمت از ۳۳ به ۵ روپیه به دلیل تقلب در کیفیت محصول و مخلوط کردن آن با مواد خارجی، ضربه بزرگی به صادرات ایران وارد کرد. از سوی دیگر، مقررات سخت گیرانه راه‌آهن هند در مورد بسته‌بندی این محصول (استفاده از قوطی حلبی یا گونی دولایه) بر پیچیدگی‌های تجارت می‌افزود. دولت ایران نیز برای این که از کاهش قیمت انقوزه و از دست دادن بازار این کالا در هندوستان جلوگیری نماید، درصدد برآمد که برای بهبودی صادرات آن شرکتی تأسیس نماید به نام «شرکت سهامی انقوزه ایران محدود» تا به وضعیت ترویج تجارت و ازدیاد انواع انقوزه ایران و تسهیل صدور آن به هندوستان بپردازد (نامه بازرگان، ۱۳۱۷: ۴۰). به همین خاطر، برای اتخاذ تصمیمی مناسب در جریان تجارت خارجی هیئت وزراء در جلسه ۱۷ آذر ۱۳۱۴ مواد ذیل را تصویب کردند:

۱. صدور کلیه انقوزه شیرین و تلخ ایران تحت نظر و مراقبت بانک فلاحی و صنعتی به شرکت سهامی انقوزه ایران واگذار می‌شود که با علامت مخصوص شرکت اقدام به صدور آن نمایند.
۲. صدور متاع مذکور از طرف صادرکنندگان متفرقه از تاریخ ۱۰ دی ۱۳۱۴ ممنون و ادارات گمرک مکلفند از این تاریخ از صدور انقوزه شیرین و تلخ به وسیله اشخاص یا مؤسسات متفرقه جلوگیری نمایند (مجله گمرکات ایران، ۱۳۱۴: ۳). آمار صادرات انقوزه به هندوستان در دوره پهلوی این گونه بود:

جدول ۱- آمار صادرات انقوزه به هندوستان در دوره پهلوی (منبع: مجله گمرکات ایران، ۱۳۱۴: ۳)

سال	۱۳۱۱-۱۳۱۰	۱۳۱۲-۱۳۱۱	۱۳۱۳-۱۳۱۲	۱۳۱۴-۱۳۱۳	۱۳۱۵-۱۳۱۴	۱۳۱۶-۱۳۱۵
وزن به کیلو	۴۶۱۰۷۸۱	۲۶۵۰۴۷	۱۹۹۵۶۰	۴۳۸۸۴۳	۵۴۹۰۲۳	۱۱۵۹۳۲
قیمت به ریال	۵۸۶۹۸۲۰	۱۶۱۲۰۸۴	۱۰۸۲۰۰۵	۱۷۵۰۰۸۷	۲۱۲۲۱۱	۶۲۷۲۹۵

هندوستان یکی از ممالك عمده مصرف کننده مغز بادام ایران بود. مغز بادام ایران باید با مغز بادام ایتالیا رقابت می‌کرد. اگر چه مغز بادام ایتالیا طعم شیرین مغز ایران را نداشت، اما همیشه یکی دو روپیه گران تر از جنس ایرانی بود. دلیل آن هم این بود که مغز بادام ایتالیا با تلخ مخلوط نبود و دانه‌های شکسته هم داخل آن وجود نداشت، اما مغز بادام ایران با تلخ مخلوط بود. نزدیک به سالی ۲۵۰۰۰ عدل مغز بادام ایران در هندوستان به مصرف می‌رسید. این مغزها به کراچی می‌رسید و تجار هندی از آنجا خرید می‌کردند و به سایر شهرها می‌بردند. کراچی یکی از شهرهای مهمی بود که برای تجارت ایران از اهمیت خاصی برخوردار بود. زیرا که کرایه حمل اجناس از کراچی به اروپا به نسبت حمل از بمبئی مناسب تر تمام می‌شد. به عنوان مثال انبارهایی که محل نگهداری اموال بودند، چنانچه يك انبار در حدود ۵ هزار عدل ظرفیت داشته باشد در کراچی ماهی ۱۰۰ روپیه کرایه داشت. در صورتی که، همین انبار در بمبئی کمتر از

۱. انقوزه صمغی است که از یک نوع گیاه خودرو که در صحراهای شرقی و جنوب شرقی ایران می‌روید. (نامه بازرگان، ۱۳۱۷: ۲۸)

۲۵۰ روپیه پیدا نمی‌شد. از لحاظ آب و هوایی هم کراچی از اهمیت خاصی برخوردار بود. مسأله مهم دیگری که بر اهمیت کراچی برای تجارت ایران تأکید دارد، این است که فروش کالاها در آنجا باصرفه‌تر بود. اول از طریق بنادر دریایی به کراچی و دوم از راه زاهدان و نوك كندی با راه آهن هر دو به کراچی نزدیک بود (اطاق تجارت، ۱۳۱۵: ۱۰) اما یکی از نواقص عمده تجار ایران که در مغز بادام تأثیر گذاشته بود، عدم اتحاد تجار ایرانی در خارج و فقدان تشکیلات تجارتی آنهاست. در بمبئی هندی‌ها با ژاپنی‌ها و اروپائی‌ها از هر صنف و طبقه اتحادیه‌ای داشتند که منافع خود را حفظ می‌کردند و برای معاملات اجناس خود قواعدی تصویب می‌کردند. این امر باعث می‌شد که تحت تأثیر آلت دست مشتری‌ها قرار نگیرند، اما این روح اراده و اتحاد با کالبد تجار ایرانی آشنائی نداشت (اطاق تجارت، ۱۳۰۹: ۱۵).

یکی از کالاهای دیگری که به هندوستان صادر می‌شد حنا بود که از بنادر جنوب صادر می‌گردید. اما بعد از مدتی حکومت هند خود اقدام به زراعت حنا نمود و بازار حنا ایران در هند از رونق افتاد. یکی دیگر از محصولات صادراتی به هند زعفران بود. در هندوستان روغن زعفران را به جای عطریات مصرف می‌نمودند (اطاق تجارت، ۱۳۱۵: ۱۵۹) هندوستان در قسمت واردات از بهترین بازارهای دنیا برای فروش میوه جات تر و خشك بود، زیرا علاوه بر این که در هند به‌عمل نمی‌آمد و آنچه هم به‌عمل می‌آمد خیلی کم و نامرغوب بود. به‌واسطه این که هندوها عموماً بر حسب دستور مذهبی از خوردن گوشت ممنوع بودند، بنابراین، غذای غالب آنها محصولات نباتی تر و خشك بود و به‌واسطه احتیاجی که داشتند به قیمت خوب و به مقدار زیاد خریداری می‌نمودند. سابق براین که هرات هم جزو ایران بود، یکی از تجارت‌های عمده ایران با هندوستان همین فروش خشکبار بود، ولی از وقتی که آنجا سر و سامانی به‌خود گرفت این تجارت هم از دست ایرانی خارج شد و خود افغان‌ها از هم‌جواری استفاده کرده، تجارت خشکبار هندوستان را تقریباً در دست گرفته‌اند (اطاق تجارت، ۱۳۱۵: ۲۳) صادرات خشکبار ایران به هند صورت خوبی نداشت، زیرا صادرکنندگان بدون این که استعداد طبیعی و وضعیت جوی هندوستان را در نظر بگیرند، اقدام به صادرات می‌کردند. مثلاً کشمش را که باید برای آب و هوای گرم تدارک نمایند که در اندک مدتی فاسد نشود، صادراتی به هند می‌فرستادند که قبل از ورود به مقصد خراب و فاسد می‌شد.

پنبه یکی از محصولات مهم صادراتی ایران به هندوستان بود. پنبه ایران در دوره قاجار بیشتر به روسیه و هندوستان فرستاده می‌شد (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۱۷). اما از جنگ جهانی اول به بعد تولید و تجارت پنبه کاهش یافت که این امر نیز خود ناشی از کمبود مواد غذایی و خسارت‌های ناشی از جنگ بود. اما این محصول در دوره پهلوی بار دیگر رونق نسبی یافت و به کشورهای مثل هندوستان صادر می‌شد. به‌عنوان مثال از طریق بندر چابهار کشتی‌های زیادی به هند می‌رفتند که حجم وسیعی از کالاهای آنان اختصاص به پنبه داشت (ساکما^۱: ش سند ۳۷۹۱۹/۲۴۰، ش بازیابی ۳۷۹۱۹/۱/۱۳). اطاق تجارت ایران در بمبئی راجع به محصولات صادراتی ایران به هندوستان و موانع موجود در این راه به‌خصوص صادرات پنبه گزارشاتی تهیه می‌نمود. به‌عنوان مثال اطاق تجارت ضمن راپرت مشروحي که راجع به تجارت پنبه ایران به هندوستان ارسال گردیده است، می‌نویسد که پنبه ایران یکی از صادرات مهم ایران است و اگر اندک توجهی نسبت به تهیه آن بشود، قابل استفاده شایان خواهد بود. در گزارش اطاق تجارت در باب صادرات پنبه و مشکلات پنبه ایران مطالبی بیان می‌شود. از نظر اطاق تجارت پنبه ایران دارای چندین نقص بزرگ است که به‌واسطه وجود این نقایص غالباً صدور آن برای تجار مقرون به‌صرفه نیست در صورتی که با مختصرتوجهی می‌توان تجارت آن را به میزان قابل توجهی ترقی داد و البته اقدامات دولت برای عملی کردن این منظور در وهله اول ضروری است. یکی از نقایص پنبه ایران مخصوصاً

محصول رفسنجان و کرمان برگ‌های خشک و بوته پنبه است که در موقع خارج کردن پنبه از قوزه و همچنین، در موقع برداشت محصول طبعاً مخلوط با پنبه شده و مال را به حالت فعلی درآورده باعث نامرغوبی آن گردیده است.

اطاق تجارت موانع رفع این مشکل را چنین عنوان می‌کند: «برای رفع این نقیصه علاج قطعی تبدیل بذر فعلی به بذر آمریکایی و مصری که گذشته از این که پنبه آن فی حد ذاته در بازار دنیا مرغوب و مطلوب و دارای قیمت بهتر و بالاتری است. وضعیت طبیعی آن طوری است که پس از رسیدن محصول به خودی خود پنبه از پوست خارج گردیده و اگر جمع‌آوری نشود بر زمین ریخته به کلی از بین می‌رود و زارع مجبور است به طوری که محصول تدریجاً می‌رسد جمع‌آوری نمود و طبعاً موجب تمیزی و پاکیزگی محصول خواهد بود. بر خلاف تخم‌های ایرانی که این خاصیت در آن‌ها نیست و پس از رسیدن محصول می‌ماند تا تمام محصول برسد و یک‌دفعه جمع‌آوری شود. این عمل باعث خلط کثافت پنبه می‌گردد. لازم است کلاکین و زارعین را به وسایل مقتضی تشویق به کاشتن بذر مصری و آمریکایی و ترک بذر قدیم بنمایند که در آینده این نقیصه بزرگ مرتفع گردد» (اطاق تجارت، ۱۳۱۱: ۳۲) یکی دیگر از کالاهای صادراتی ایران به هند پشم خراسان بود که حدود ۴۶۰۰ خروار به هندوستان حمل می‌شد (اطاق تجارت، ۱۳۱۱: ۵۰) در سال ۱۳۱۰ شمسی جواز صدور گندم به هندوستان و واردات کیسه خالی مشروط به عدم اخذ جواز ورود و عوارض گمرکی از کیسه‌ها صادر شد (ساکما: شناسه سند ۵۱۸۰/۲۴۰ شناسه بازاریابی ۵۱۷۴/۱۳/۱).

علاوه بر انواع خشکبار، تخم خشخاش، زیره و سایر انواع صادرات ایران، اساساً هندوستان، مشتری مهم پارچه‌های ابریشمی ساخت ایران بود که در خراسان و یزد بافته می‌شد. از این رو نمایندگی تجارته در بمبئی تأسیس شد. تجار هندی که مهم‌ترین خریدار امتعه ایران به حساب می‌آمدند، معتقد بودند که هرگاه شرکت‌های انحصاری داخلی ایران به نمایندگان تجار هندی مقیم ایران کلیه اجناس مورد احتیاج بازارهای مختلف هندوستان را در مقابل منفعت عادلانه اجازه صدور بدهند، یا این که راساً اجناس طبقه‌بندی شده را به آن‌ها به قیمت‌های عادلانه بفروشند خیلی برای طرفین بهتر خواهد بود، از این که خود این شرکت‌های انحصاری مستقیماً اقدام به فروش اجناس در يك یا ده نقطه بنمایند. زیرا اولاً اجناس محموله در يك یا دو نقطه متراکم شده و موقعی که خریدارهای آن اجناس ملتفت شدند فلان مقدار اجناس در انبارها موجود است، هم‌دست شده و مظنه را پایین خواهند آورد و این طریق را دائماً خریدارها در خارجه معمول داشته و تجار ایرانی که با خارج سر و کار دارند، البته از این رویه بی اطلاع نیستند. ثانیاً مصرف جنس در هندوستان در يك یا دو نقطه نبوده بلکه در شهرها و قصبه‌ها می‌باشد که فاصله زیاد است و هرگاه لازم شد اولاً جنس را در يك مرکز انبار نموده و مجدداً از آن جا به شمال یا جنوب هندوستان حمل نمایند، مخارج زیاد به آن تعلق گرفته و گران‌تر تمام می‌شود (اطاق تجارت، ۱۳۱۵: ۱۱)

سیگار یکی دیگر از کالاهای صادراتی ایران به هند بود. در گزارشی که از کنسول‌گری ایران در بمبئی به وزارت خارجه ارسال گردید، در مورد صدور توتون و سیگار ایرانی به هند اشاراتی شده است. در بخشی از این گزارش آمده است «توتون‌های ایرانی که مخصوص هندوستان فرستاده می‌شوند، باید کاملاً گرم و گیرنده باشند تا با طبع آنان جور درآید. بنابراین، هرگاه توتون‌های ارسالی به هندوستان از توتون‌های ملایم باشد، احدی به آن اقبال نخواهد کرد. دوم این که، به دلیل بارش و رطوبت زیاد در هند باید سیگارهای ما طوری محکم پیچیده شوند که هنگام باران خراب نشود و رنگ سیگار تغییر نکند. در این گزارش تجارت خانه‌های شاه، یزدانی و شاپور به عنوان مهم‌ترین کمپانی‌های فروش سیگار در بمبئی یاد شده است. گزارش گر به تجار ایرانی توصیه می‌کند تجار ایرانی باید در ابتدای کار تحمل یک ضرری را به خود هموار کنند تا به تدریج بازاری در هند و بمبئی به دست آورده و ترتیب تهیه و جعبه‌بندی و غیره را خوب ملتفت شوند (ساکما: ۲۴۶۲۶/۲۴۰). ظاهراً تجارت خانه برادران گرجی در سال ۱۳۱۱ در کویته بلوچستان

درصد ترویج سیگارت ایرانی در هند برآمد و از کنسول‌گری ایران خواست با ورود ۲۰۰ هزار قوطی مقوایی لفافه سیگار از برلن به ایران موافقت و همکاری کند تا این لفافه در طهران با توتون پر شده و از طریق زاهدان به هندوستان صادر گردد (ساکما: ۱۳۰۷/۲۴۰). در همین راستا، تجارت‌خانه متحدین در سال ۱۳۱۲ شمسی تقاضایی راجع به حمل توتون رشت به هندوستان در حدود مقررات انجام داده بود تا بتواند سریع‌تر و آسان‌تر این توتون‌ها را به هندوستان صادر نمایند (ساکما: شماره سند ۴۳۱۴۶/۲۴۰/شناسه بازایی ۱۳/۱/۴۳۱۴۶).

یکی از صادرات ایران به هند در دوره پهلوی اول خشخاش بود. خشخاش ایران از دو راه وارد هندوستان می‌شد یکی از راه دزداب و دیگری از راه خلیج فارس. اصولاً خشخاش‌هایی که در سیستان و خراسان تولید می‌شد، تمیزتر و دارای مشتری بیشتری بود و این به علت زمین‌های آنجا بود که خاک رس کم دارد. این موارد در بمبئی و کراچی با مقرراتی که مجمع تجار وضع می‌کرد به فروش می‌رسید (عصرحدید، ۱۳۰۸: ۱۹) یکی دیگر از کالاهای صادراتی ایران به هند گل قرمز در بندرعباس است. این کالا در هندوستان مصرف کلی دارد. نمایندگی فروش گل قرمز در اختیار تجارت‌خانه‌ها بود. چرا که گل قرمز در هندوستان مشتری زیادی داشت و مورد احتیاج بسیاری از تجارت‌خانه‌ها و کمپانی‌های مهم بود (ساکما: ۹۹۷۰۷/۲۴۰).

البته در کنار این مواد صادراتی یکی از مسائلی که موجب نگرانی حکومت شده بود و معضلاتی را برای کشور به وجود آورده بود، شیوع قاچاق در سیستان و قاینات و زاهدان و خروج مسکوکات از ایران به هندوستان در سال ۱۳۱۱ بود (ساکما: ۲۴۶۲۶/۲۴۰). به همین خاطر در این سال مقرراتی برای جلوگیری از حمل قاچاق مسکوکات نقره از مرز زاهدان به هندوستان وضع شد (ساکما: شناسه سند ۱۷۷۸۶/۲۴۰ شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۷۶۴۴).

جدول ۲. مهم‌ترین کالاهای صادراتی و نرخ کالاهای بازارهای هندوستان در اواسط حکومت پهلوی

نوع جنس	وزن	بها به رویه	نوع جنس	وزن	بها به رویه
آلو بخارا	یکمن کراچی	۲۰	مغز بادام اصفهان	من کراچی	۸۸
انقوزه شیرین	"	۲۰۰	پوست گوسفند	۲۲ جلد	۷
مغز بادام	"	۸۲	بادام کاغذی	"	۵۰
پسته	"	۶۰	گل سرخ	"	۱۰
خرمای زاهدی	"	۳	قیصی	"	۱۷
زعفران اعلی	رطل	۳۰	مغز گردو	"	۱۳
مغز هسته شیرین	من کراچی	۴۰	گل گاوزبان	"	۸۰
زیره سیاه	"	۶۰	کشمش سبز	"	۱۵

منبع: اطاق تجارت، ۱۳۱۷: ۱۲

واردات ایران از هندوستان

در مقابل صادرات کالاهای ایرانی به هند حجم بسیار بالایی از کالاهای هندی نیز وارد ایران می‌شد. عموماً از طریق سیستان و خلیج فارس، همه ساله مواد غذایی و محصولات هندی وارد ایران می‌شد. آردکراچی و بمبئی که هر دو قسم از هندوستان وارد می‌شد و به مصرف کاج، چای و بیسکویت می‌رسید. همچنین قیمت متوسط آن خرواری چهل تومان بود. برنج هندی که خود چندین رقم داشت از جمله برنج عنبربو و برنج هوره کلکته خرواری پنجاه تومان، برنج بلم خرواری چهل و دو تومان و برنج حلوا خرواری سی و دو تومان. روغن که از هند وارد می‌شد و خرواری یکصد شصت تومان بود. از جمله واردات دیگر می‌توان به ادویه جات و حبوبات اشاره

کرد. مثل نخود و لپه که قیمت متوسط آن خرواری چهل و پنج تومان بود و عدس و لپه بی پوست که قیمت متوسط آن خرواری پنجاه تومان بود. یکی دیگر از محصولات وارداتی گندم بود که از راه مسجد سلیمان وارد ایران می‌شد (ساکما: شناسه سند ۲۴۰/۱۲۶۹۹ شناسه بازبایی ۱۳/۱/۱۲۶۸۷).

یکی از اقلام مهم وارداتی از هندوستان چای بود. تجار هندی و ایرانی از راه افغانستان چای هند را وارد ایران می‌کردند که این یک‌سری مشکلاتی را هم به همراه داشت و راهی برای ورود قاچاق به ایران باز می‌شد. البته این امر نیز مورد اعتراض دولت هند قرار گرفت و کاهش صادرات چای به ایران را به دنبال داشت. چرا که آنان بر این گمان بودند، چای‌های که از هند وارد می‌شود به روسیه حمل می‌شود. منع حمل چای از هندوستان سالی یک میلیون روپیه به ایران خسارت وارد می‌آورد (ساکما: ۲۴۰/۹۹۷۰۷). البته بعد از مدتی این مانع نیز برطرف شد و واردات چای از هندوستان، جهت تعدیل قیمت آن در داخل کشور در سال ۱۳۱۶ از سوی دولت نیز در همین راستا انجام شد (ساکما: شناسه سند ۲۴۰/۱۳۸۴۴ شناسه بازبایی ۱۳/۱/۱۳۷۰۴). یکی از کالاهایی که از هند وارد می‌شد، قند بود. در سال ۱۳۰۹ شمسی به علت مشکلات تجارتي با دولت شوروی بر میزان واردات قند از هندوستان اضافه شده بود (اطاق تجارت، س ۲، ش ۱۳، ص ۱۹). ورود لوازم برق و ابنیه از هندوستان نیز از جمله این کالاها بود (ساکما: شناسه سند ۲۴۰/۱۲۳۰ شناسه بازبایی ۱۳/۱/۱۲۳۰).

جدول ۳. وضعیت واردات و صادرات ایران و هند بین سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ شمسی

سال	واردات	صادرات ایران	تفاوت
۱۳۰۸	۱۴۷۹۵۵۰۰۰	۳۹۸۷۷۰۰۰	۱۰۸۰۷۸۰۰۰
۱۳۰۹	۱۲۲۲۱۷۰۰۰	۳۸۵۷۹۰۰۰	۸۳۶۳۸۰۰۰
۱۳۱۰	۱۱۰۳۲۲۰۰۰	۸۷۱۴۸۰۰۰	۲۳۱۷۴۰۰۰

منبع: اطاق تجارت، ۱۳۱۱: ۹۵

از ارقام فوق معلوم می‌شود صادرات هند به ایران کمتر از واردات این کشور از ایران بوده است. تجارت وارداتی و صادراتی بین ایران و هند در دست جماعتی از تجار بود که فقط نفع شخصی خود را در نظر می‌گرفتند و چندان اعتنایی به مرغوب بودن و ترویج امتعه کشور نمی‌کردند. چنان که مقدار کلی از اجناس صادراتی و محصول ایران با وضع خیلی تأسف باری به بمبئی و کراچی حمل شده و پس از تهیه و تنظیمات لازمه از آن بنادر به داخل هند یا به ممالک خارجی دیگر صادر می‌گردید. بنادر بمبئی و کراچی حکم یک مرکز ترانزیتی برای محصولات ایران داشتند که پس از آن که شخص هندی و یا ایرانی جنس خود را از ایران به قیمت بخس خرید می‌کرد، آن را پس از طبقه‌بندی و نظیف به بنادر اروپا می‌فروخت و قیمت‌های بیشتری به دست می‌آورد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی تحولات تجاری ایران و هند در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) نشان می‌دهد که سیاست‌های استعماری بریتانیا که از دوره قاجار شکل گرفته است، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به روابط اقتصادی دو کشور داشته است. بریتانیا با کنترل راه‌های تجاری، اعمال مقررات گمرکی تبعیض‌آمیز و انحصار شرکت‌های وابسته، سعی در کاهش سهم ایران در بازار هند و تثبیت موقعیت خود به عنوان قدرت مسلط منطقه داشته است. این سیاست‌ها منجر به بازتعریف ساختار تجاری دو کشور در چارچوب تقسیم کار استعماری شده است، به طوری که هند به عنوان «کارگاه تولیدی» و ایران به عنوان «تأمین‌کننده مواد خام» عمل کرده است.

با وجود این چالش‌ها، بازیگران غیردولتی مانند پارسیان هند و تجار محلی با تشکیل اتحادیه‌های مستقل و تلاش برای توسعه مبادلات، نقش مؤثری در مقابله با سیاست‌های استعماری ایفا کردند. همچنین، راه‌های تجاری مانند خلیج فارس و مسیر زاهدان، اگرچه تحت نفوذ بریتانیا بودند، به کانون‌های مهم مبادلات تبدیل شدند. این تجربه تاریخی حاوی درس‌های مهمی برای روابط فعلی ایران و هند است. امروزه با توجه به تحولات ژئوپلیتیک منطقه و ظهور هند به عنوان قدرت اقتصادی جهانی، ایران می‌تواند با تنوع بخشیدن به سبد صادراتی، تقویت نهادهای تجاری مشترک و بهره‌گیری از کریدورهای جدید حمل و نقل، الگوی وابستگی تاریخی را دگرگون سازد. توسعه همکاری‌های فناورانه و صنعتی، به جای تکیه صرف بر مبادلات مواد خام، می‌تواند زمینه‌ساز رابطه‌ای متوازن و سودمند برای هر دو کشور در قرن بیست و یکم باشد.

منابع

الف) اسناد

اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما):

۲۴۰/۴۳۱۴۶ شناسه بازیابی ۱۳/۱/۴۳۱۴۶

۲۴۰/۱۷۷۸۶ شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۷۶۴۴

۲۴۰/۱۲۳۰ شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۲۳۰

۲۴۰/۱۲۶۹۹ شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۲۶۸۷

۲۴۰/۱۳۸۴۴ شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۳۷۰۴

۲۴۰/۵۱۸۰ شناسه بازیابی ۱۳/۱/۵۱۷۴

۳۷۹۱۹/۲۴۰، ش بازیابی ۳۷۹۱۹/۱/۱۳

ب) روزنامه‌ها و مجلات

۱. اطاق تجارت. (۱۳۰۹). س. ۱. ش. ۱.

_____. (۱۳۰۹). س. ۱. ش. ۱۱.

_____. (۱۳۰۹). س. ۲. ش. ۱۳.

_____. (۱۳۱۰). س. ۲. ش. ۱۹.

_____. (۱۳۱۰). س. ۲. ش. ۲۱.

_____. (۱۳۱۱). س. ۳. ش. ۴۵.

_____. (۱۳۱۱). س. ۴. ش. ۵۹ و ۶۰.

_____. (۱۳۱۲). س. ۴. ش. ۷۰.

_____. (۱۳۱۲). س. ۴. ش. ۷۸.

_____. (۱۳۱۳). س. ۵. ش. ۸۷.

_____. (۱۳۱۵). س. ۷. ش. ۱۲۷.

_____. (۱۳۱۵). س. ۷. ش. ۱۳۳.

_____. (۱۳۱۵). س. ۷. ش. ۱۴۳.



_____ . (۱۳۱۵). س. ۸. ش. ۱۴۷.

_____ . (۱۳۱۷). س. ۹. ش. ۱۷۹.

_____ . (۱۳۱۰). س. ۶. ش. ۱۵۲۵.

_____ . (۱۳۱۱). س. ۷. ش. ۱۵۹۳.

_____ . عصر حدید. (۱۳۰۸). شماره ۶۹.

_____ . فلاح و تجارت. (۱۲۹۷). س. ۱. ش. ۲۳ و ۲۴.

_____ . شفق سرخ. (۱۳۱۱). س. ۱۱. ش. ۲۲۷۱۰.

_____ . حب‌المتین. (۱۳۰۹). س. ۳۸. ش. ۳۶ و ۳۵.

_____ . مجله گمرکات ایران. (۱۳۱۴).

_____ . نامه بازرگان. (۱۳۱۷). ش. ۲.

_____ . (۱۳۱۷). س. اول و دوم. ش. ۶.

_____ . نامه راه. (۱۳۱۹). ش. ۲ و ۳.

ج) کتاب‌ها

اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه. (۱۳۸۰). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

اشیدری، ج. (۲۵۳۵). تاریخ پهلوی و زرتشتیان. تهران: هوخت.

افتخاری، ی. (۱۳۷۰). خاطرات دوران سپری شده (به کوشش ک. بیات و م. تفرشی). تهران: انتشارات فردوس.

بروسیوس، م. (۱۳۸۸). ایران باستان. مترجم: عبدی، ع. تهران: نشر ماهی.

بیات، ع. (۱۳۶۵). کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

تاریخ سفارت حاجی خلیل خان و محمد نبی خان به هندوستان. (۱۳۷۹). به اهتمام میرزا صالح، غ. تهران: کویر.

تاوورنیه، ژ. ب. (۱۳۶۳). سفرنامه تاوورنیه. مترجم: نوری، ا. تهران: چاپ حمید شیرانی.

جمالزاده، م. (۱۳۶۲). گنج شایگان. تهران: کتاب تهران.

جناب، م. ع. (۱۳۵۶). خلیج فارس: نفوذ پیگانگان و رویدادهای سیاسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

دریایی، ت. (۱۳۸۷). شاهنشاهی ساسانی. مترجم: ثاقب فر، م. تهران: ققنوس.

رایت، س. د. (۱۳۶۴). ایرانیان در میان انگلیسی‌ها. مترجم: امامی، ک. تهران: نشر نو با همکاری انتشارات زمینه.

ریاحی، ا. (۱۳۹۰). تأثیر حضور مهاجران سیک در وضعیت اجتماعی و اقتصادی زاهدان. فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر اول (بهار)، ۳۳-۱۶.

الاسلام، ر. (۱۳۷۳). تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشار. (مترجم: آرام، م. ب و غفاری فرد، ع). تهران: امیرکبیر.

سعیدی نیا، ح. (۱۳۹۰). نقش اقتصادی گمرک بوشهر در رقابت‌های تجاری خلیج فارس در نیمه اول قرن سیزدهم هجری، (ویراستاران:

خیراندیش، ع و تبریزنیا، م). پژوهشنامه خلیج فارس، (دفتر سوم). تهران: خانه کتاب.

سفرنامه ونیزیان. (۱۳۸۱). ترجمه: امیری، م. تهران: انتشارات خوارزمی.

شاردن، ژ. (۱۳۳۵). سیاحت‌نامه شاردن. ج. ۷، مترجم: عباسی، م. تهران: امیرکبیر.

شهمردان، ر. (۱۳۳۰). فرزندان زرتشتی. تهران: چاپ راستی، نشریه سازمان جوانان زرتشتی بمبئی.

کیانی راد، ج. (۱۳۹۰). کانون‌های بازرگانی دریای پارس در دوره اشکانی. پژوهش نامه خلیج فارس. به کوشش خیراندیش، ع و تبریزنیا، م. (دفتر سوم). تهران: خانه کتاب

گرومون، ا. (۱۳۷۸). چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران از ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ میلادی. مترجم: زنگنه، ح. قم: همسایه.

گیرشمن، ر. (۱۳۹۸). ایران از آغاز تا اسلام. مترجم: معین، م. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

لوریم، ج. ج. (۱۳۷۹). راهنمای خلیج فارس تاریخ و جغرافیای بوشهر. ترجمه سید محمدحسن نبوی. شیراز: نوید شیراز.

مشکور، م. ج. (۱۳۶۹). ایران در عهد باستان. تهران: نشر اشرفی.

نفیسی، س. (۱۳۴۴). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر. تهران: بنیاد.

نوری اسفندیاری، ف. (۱۳۹۱). رضاشاه در گذر تاریخ یا رستاخیز ایران. تهران: البرز.

هوار، ک. (۱۳۶۳). ایران و تمدن ایرانی. مترجم: انوشه، ح. تهران: امیرکبیر.

Eftekhari, Y. (1991). *Memoirs of a bygone era* (K. Bayat & M. Tafreshi, Eds.). Tehran: Ferdows Publications. (In Persian)

Bayat, A. (1986). *General history and civilization of pre-Islamic Iran*. Tehran: National University Press of Iran. (in Persian)

Berusseus, M. (2009). *Ancient Iran* (A. Abdi, Trans.). Tehran: Mahi Publishing. (In Persian)

Chardin, J. (1956). *Chardin's travelogue*, vol. 7 (M. Abbasi, Trans.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)

Dabir, A. (n.d.). *Mehr Magazine*, No. 1, p. 90. (In Persian)

Daryaei, T. (2008). *Sasanian Empire* (M. Saghibfar, Trans.). Tehran: Ghoghnoos. (In Persian)

Elwell Sutton, L. P. (1995). *Parsian oil: A study in power politics*. 168-169.

Eshidari, J. (1976). *Pahlavi History and the Zoroastrians*. Tehran: Hukht Publishing. (In Persian)

Eslām, R. (1994). *History of Iran-India relations during the Safavid and Afsharid periods* (M. B. Aram & A. Ghaffari Fard, Trans.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)

Ferier, R. W. (1982). *The history of British Petroleum Company*. Cambridge.

Grummon, S. (1999). *Challenge for power and wealth in southern Iran from 1750 to 1850* (H. Zangeneh, Trans.). Qom: Hamsayeh. (In Persian)

Guérshman, R. (2019). *Iran from the beginning to Islam* (M. Moein, Trans.). Tehran: Translation and Publishing House. (In Persian)

History of the Embassy of Haji Khalil Khan and Mohammad Nabi Khan to India. (2000). Edited by G. Mirza Saleh. Tehran: Kavir. (In Persian)

Hovarth, K. (1984). *Iran and Iranian civilization* (H. Anousheh, Trans.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)

Jamalzadeh, M. A. (1983). *Treasure of the Kings*. Tehran: Ketab Tehran. (In Persian)

Jenab, M. A. (1977). *Persian Gulf: Foreign Influence and Political Events*. Tehran: Humanities Research Institute. (In Persian)

- Kiani Rad, H. (2011). Trading guilds of the Persian Gulf during the Parthian era (A. Kherandish & M. Tabriznia, Eds.). *Persian Gulf Research Journal*, 3. Tehran: Khaneh Ketab. (In Persian)
- Lorimer, J. G. (2000). *A Guide to the Persian Gulf: The History and Geography of Bushehr* (S. M. H. Nabavi, Trans.). Shiraz: Navid Shiraz Publishing. (In Persian)
- Marashi, A. (2020). *Exile and the nation: The Parsi community of India and the making of modern Iran* (1st ed.). Austin: University of Texas Press.
- Mashkour, M. J. (1990). *Ancient Iran*. Tehran: Ashrafi Publishing. (In Persian)
- Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization. (2001). Documents on Currency and the Foreign Trade Monopoly during the Reza Shah Era. Tehran: Author. (In Persian)
- Nafisi, S. (1965). *Social and political history of Iran in the contemporary period*. Tehran: Bonyad. (In Persian)
- Nouri Esfandiari, F. (2012). *Reza Shah in the passage of history or Iran's resurrection*. Tehran: Alborz. (In Persian)
- Riyahi, A. (2011). *Impact of Sikh migrants on the social and economic status of Zahedan*. Ganjineh Asnad Quarterly, 1(Spring), 16-33. (In Persian)
- Saidi Nia, H. (2011). The economic role of Bushehr customs in the commercial rivalry of the Persian Gulf during the first half of the 13th century AH (A. Kherandish & M. Tabriznia, Eds.). *Persian Gulf Research Journal*, 3. Tehran: Khaneh Ketab. (In Persian)
- Shahmardan, R. (1951). *Wise Zoroastrians*. Tehran: Publication of the Bombay Zoroastrian Youth Organization (Rasti Press). (In Persian)
- Tavernier, J. B. (1984). *Travels of Tavernier* (A. Nouri, Trans.). Tehran: Hamid Shirani Press. (In Persian)
- Venetian Travelogue*. (2002). (M. Amiri, Trans.). Tehran: Khwarazmi Publications. (In Persian)
- Waring, E. S. (1807). A tour to Sheeraz by the rout of Kazroon and Feerozabad (p. 77). London.
- Wright, S. D. (1985). *Iranians among the English* (K. Emami, Trans.). Tehran: Nashr-e No with Zamineh Publications. (In Persian)